



ایجاد تفاهم متقابل میان افراد بشر و فراهم ساختن امکان انتقال یافته‌ها و تجربیات آنها به یکدیگر، اگر انگیزه اصلی پیدایش زبان نباشد بدون تردید مهترین و بهره‌ترین وظیفه آن است، اما این موضوع در مورد پیدایش خط قاطعیت بیشتری پیدا میکند و بدان پایه میرسد که میتوان بدون کوچکترین تردیدی ادعا کرد، انگیزه اصلی بشر از اختراع خط فراهم ساختن وسیله مناسبی برای ثبت یافته‌ها و تجربیات خویش بمنظور جلوگیری از فراموش شدن آنها و انتقال این یافته‌ها و تجربیات به نسل‌های آینده بوده است.

بهین جهت است که زبان و خط در روند تکامل فرهنگ و دانش بشری نقش تعیین کننده و غیرقابل انکار ایفا میکنند و تکامل فرهنگی بدون بهره‌گیری کامل و همه‌جانبه از این دو عامل مهم غیرمقدور خواهد بود. چراکه تجربیات و یافته‌های فردی تنها زمانی میتوانند در جریان تکامل فرهنگی جوامع بشری مؤثر

افتند که حاصل آنها پایه مدد زبان و یا به مددخط به دیگران منتقل شده باشد. از طرفی باستان‌های انسانهای نخستین سایر افراد بشر در هر مقطع نامشخصی از زمان که پایه عرصه وجود گذاشته باشند اجباراً بدان فرهنگ افتاده‌اند که از گذشته‌ای دور سرچشمه گرفته و سوسی آینده‌ای نامعلوم جریان دارد بهمین دلیل هر یک از افراد بشر برای آنکه بتوانند آگاهانه به داوری چنین فرهنگ مسلطی بنشینند در رهنمون شدن آن به مرحله کمال مؤثر واقع شوند بناچار بایستی از یکسو در تحولات گذشته این فرهنگ کنکاش کنند و از سوی دیگر با استفاده از کلیه وسائل ممکنه در جریان حوادث و رویدادهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زمان خود قرار بگیرند. و قوف به تحولات گذشته و آگاهی برعلل وجودی معیارهای فرهنگی معتبر در یک جامعه نیز جز از طریق کنکاش در چگونگی زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی آن جامعه

میسر نخواهد بود و این نیز خود در آثار مکتوب و تاحدی سایر نشانه‌های باقیمانده از گذشته رخ مینماید از این روست که بهنگام بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع مختلف با مسئله‌ای بنام استفاده همه جانبه افراد از کتاب و ضرورت مطالعه مواجه میشویم. زیرا تنها از این طریق است که انسان حاضر در تجربیات گذشتگان سهیم میشود و بر چگونگی روند تکامل اجتماعی در جامعه خویش و دیگر جوامع بشری وقوف حاصل میکند.

## کتاب و کتابخانه در

### جامعه ما

کتابخوانی هنوز در جامعه ما عمومیت نیافته و کتاب با اقبال مردم روبرو نمی‌شود. کتابخوان آگاه و صاحب فکر نایاب و کتاب خوب بمراتب نایاب‌تر است.

اینها همه واقعیهائی است اسف‌آور اما غیرقابل انکار چرا که نگاهی سطحی و گذرا به کتابخانه‌های عمومی شهر و

کتابفروشی‌ها بر آن مهرتائید می‌زند و بر هر گونه شک و تردیدی خط بطلان می‌کشد.

علت اصلی بوجود آمدن چنین وضع اسفناکی آنستکه در جامعه ما کتابخوانی و مطالعه نه یک ضرورت اجتماعی بلکه امر تفتنی و غیر ضروری بشمار می‌آید و در نتیجه بخش عظیمی از افراد جامعه بطور کلی بادنای کتاب و مطالعه آن هیچگونه رابطه‌ای ندارند و نسبت به آن احساس بیگانگی میکنند.

برای مثال هم اکنون در شهر تهران صرفنظر از کتابخانه‌های اختصاصی و کتابخانه‌های بنگاه پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۶ باب کتابخانه عمومی وجود دارد که تعداد مراجعه کنندگان به آنها بطور متوسط از ۲۳۰۱ نفر در روز تجاوز نمی‌کند حال آنکه تعداد کتابهای موجود در این کتابخانه‌ها به رویهم بالغ بر ۱۸۹۱۲۱ جلد می‌شود و تعداد سندلیهائی که برای مواجهین در نظر گرفته شده است ۱۱۴۸ عدد، حال اگر در نظر داشته باشیم که کتابخانه‌های مزبور روزانه در سه نوبت کاری کنند باید قبول کنیم که ظرفیت واقعی

سالنهای مطالعه این کتابخانه‌ها نیز سه برابر بیشتر از تعداد سندلیهائی موجود در آنهاست و بنا بر این هر روز بطور متوسط ۳۰ درصد از سندلیهائی مورد بحث خالی و بلااستفاده می‌ماند. از طرفی واقیت امر هنگامی ملموس تر میگردد که تعداد مراجعین به کتابخانه‌ها را با جمعیت شهر تهران در مقابل هم بگذاریم و درصدد مقایسه این دو رقم برآئیم شک نیست که این عدم اقبال عمومی از کتاب و مطالعه نیز زائیده عواملی چند است و معلول علتهائسی که جز از طریق روشن کردن آنها نمیتوان به ماهیت آن آگاهی یافت در اینجا لازم بیادآوری است که مسئله کتاب و مسئله کتابخوانی گرچه در اصل اجزاء یک واحد کلی تر و بزرگتر را تشکیل می‌دهند و با یکدیگر رابطه علت و معلولی دارند آمار در این بررسی بدلائلی چند از یکدیگر تفکیک شده و هر یک بصورتی جداگانه و مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. از این روست که مادر بدو امر به بررسی مسئله کتابخوانی و مطالعه می‌پردازیم.

بدون تردید یکی از عوامل مؤثر در بیگانگی افراد جامعه

ما نسبت به مطالعه کتاب و یا هر گونه وسیله ارتباطی مکتوب دیگر

مسئله سواد است که خوشبختانه با تلاشی که در سال‌های اخیر برای پیکار بایسواد شده است از مقدار بیسوادان خیلی کم شده است

### فارسائی‌های نظام آموزشی

گذشتن از هفت خوان دیستان، دییرستان و دانشگاه در پی دست یافتن به مدرک تحصیلی بالاتر، مزایای مادی بیشتر و بالاخره جاه و مقام درخور ملاحظه تر، و نه مشرئمر واقع شدن و کسب معلومات بیشتر در زمینه‌ای که مورد علاقه فرد است، یکی از ویژگیهای نظام آموزشی معتبر در جامعه ما بشمار میرود.

چرا به مدرسه می‌روی؟ برای آنکه به دییرستان بروم و بدنبال آن راهی دانشگاه شوم. کارم کمتر و سبکتر باشد و درآمد بیشتر و بازهم بیشتر.

پرواضح است که در نظر فردی با اینگونه روال فکری تنها مورد استفاده از سواد گرفتن مدرک و رسیدن بدرجه مشخصی از رفاه مادی است و دیگر هیچ - پس چگونه می‌توان انتظار داشت که دست پروردگان چنین فرهنگی چه

کودک ، چه جوان و چه پیر به مزایای دیگر و عالیترسواد نیز بیاندیشند و با استفاده از این وسیله مناسب درصدد گسترش دید اجتماعی و بالا بردن سطح معلومات خویش، نرآیند ؟

جوانی که در دبستان ، دبیرستان و حتی دانشگاه از توانائی خود در خواندن و نوشتن ققط و ققط بخاطرگرفتن نمره استفاده کرده و در طول دوران کودکی نوجوانی و جوانی در پشت میز دبستان، دبیرستان و دانشگاه تنها به قدرت حافظه خویش متکی بوده است چگونه و تحت تأثیر چه انگیزه‌ای بسوی کتاب غیردرسی مطالعه آن کشیده می‌شود ؟

### بیگانگی پدران و مادران با کتاب

بیشتر پدر و مادرها در حال حاضر نه تنها خود نسبت به مطالعه کتاب علاقه‌ای نشان نمی دهند بلکه تحت تأثیر این گمان غلط که مطالعه کتب غیردرسی موجب کندی پیشرفت فرزندان آنها در زمینه اسور تحصیلی می‌گردد مانع از آن می‌شوند که فرزندانشان به مطالعه این قبیل کتابها روی آورند .

این دسته از پدر و مادرها برای توجیه عمل غیرمنطقی خود دلائلی نیز دارند که در بدو امر و بظاهر کاملاً موجه جلوه می‌کنند . آنها با اشاره عادت‌های ناپسند و انحرافاتی که در حال حاضر دامن‌گیر نسل جوان است چنین استدلال می‌کنند که این انحرافها غالباً ریشه غربی دارد و از جوامع پیشرفته غرب به جوامعی چون جامعه ما منتقل شده است .

یکی از عوامل مؤثر در انتقال و رواج این ارسفانهای ناخواسته و مفسده‌انگیز نیز کتاب است ، بنابراین چه بهتر که جوانان خود را از مطالعه این عامل ترویج‌فساد و تباهی بازداریم و از انحطاط اخلاقی آنها جلوگیری کنیم .

از طرفی این قبیل پدر و مادرها عموماً باقتضای ضوابط فرهنگی مسلط بر خود سواد و تحصیل را ققط بخاطر ، مزایائی که از نظر مادی می‌تواند بر آن مترتب باشد برای فرزندان خود می‌خواهند و نه بخاطر بالا رفتن سطح فکر و گسترش شعاع دید اجتماعی آنها ، بهمین جهت با هرگونه عاملی که به گمان آنها قادر باشد جریان عادی تحصیل فرزندانشان را مختل سازد بشدت مخالفت ، می‌ورزند

گذشته از آن اثر قاطع مطالعه کتاب در روشن شدن دید افراد و در نتیجه سست شدن پاره‌ای از اعتقادات قالبی و بی‌اساس آنها که لزوماً متعجر به بروز اختلاف میان پدر و مادر با فرزندانشان می‌شود بنویه خود برای پدر و مادرهای محافظه کار و سنت‌گرا انگیزه قاطع و تعیین کننده دیگر نیست که موجب مخالفت آنها با مطالعه کتابهای غیر درسی از طرف فرزندانشان می‌شود .

ریشه اصلی این طرز فکر غلط نیز در موارد زیر قابل جستجو است :

اولا این قبیل پدر و مادرها کتاب خوب و سازنده و کتاب بد و مفسده‌انگیز را از یک دیگر جدا نمی‌کنند و بدون توجه به تمایز موجود میان این دونوع کتاب بجای مبارزه با انتشار و رواج کتابهای منحرف کننده و تباهی زا به یکباره مطالعه تمام کتب غیردرسی را محکوم می‌کنند .

دوماً بی‌توجهی آنها به این مسئله که نقش و مسائل ارتباط جمعی سمعی و بصری ( سینما ، رادیو و تلویزیون ) در انتقال ویژگیهای جوامع غربی به جوامعی چون جامعه ما و

رواج آنها در سطحی وسیع و گسترده بمراتب فعال تر و قابل اهمیت تر از نقش کتاب است. و سرانجام عدم توجه به این مسئله اساسی که علت بنیادی کج رویها و انحرافهای کنونی نسل جوان تضاد درونی و در حال تشدید جامعه است و انتقال ویژگیهای جوامع غربی تنها موجب تسریع بروز این انحرافها و کج رویها می گردد و نه علت اصلی بوجود آمدن آنها.

### وظیفه فراموش شده مطبوعات

وظیفه مطبوعات در جامعه امروزی چیست؟ اعتلای سطح فکر و ارشاد افراد جامعه یا سرگرم ساختن آنها؟

در حال حاضر گروهی چنین استناد می کنند که در دنیای سرمایه داری امروز فعالیت مطبوعاتی نیز همانند بسیاری از فعالیتهای اجتماعی دیگر قبل از هر چیز جنبه اقتصادی دارد و بناگزیر بایستی مقرون به صرفه و سودآور باشد چرا که در غیر اینصورت سرمایه دار انگیزه خود را برای سرمایه گذاری در این راه از دست می دهد و این فعالیت متوقف می گردد. بهمین جهت است که مؤسسات مطبوعاتی چه بزرگ و چه کوچک قبل از هر

چیز حساب سود و زیان خود را در نظر می گیرند و برای حصول به نتیجه مورد نظر از سوئی درصدد جلب مشتری بیشتر و از سوی دیگر در پی افزایش میزان آگهی های تبلیغاتی که منبع اصلی تغذیه مادی آنهاست بر می آیند.

در نتیجه وظیفه اصلی مطبوعات یعنی ارشاد مردم و کوشش برای اعتلای سطح فکر آنها قربانی منافع آنی می گردد، پرواضح است که در چنین شرایط و محیطی مطبوعات نه تنها نمی توانند رهگشای جوانان کشور به دنیای کتاب که محتوای بمراتب سنگین تر و اساسی تری را در

بردارد باشند بلکه موجب اسان طلب شدن خواننده و باز ماندن وی از اندیشیدن به مسائل اساسی تر و جدی تر نیز می گردند.

### کم یابی کتابهای خوب

کمیابی کتابهای خوب و کثرت کتابهای مبتذل نیز از جمله عوامل مؤثری است که مانع از عمومیت یافتن مطالعه و اقبال از کتاب در جامعه ما می گردد اما این پدیده نیز خود زائیده علت های دیگری است که ما بحث پیرامون آنها را به شماره آینده و مقاله ای که به بررسی وضع کتاب در جامعه ما اختصاص داده شده است موکول می کنیم.

